کوچه سمنان

کارگردانان صاحب نام سینما در مجمع عمومی صنف کانون کارگردانان

● **فرانک آرتا:** اعضای دو صنف «خانه سینما» با حضور در مجمع عمومی در نوبت نخست شگفتی آفریدند. در مجمع عمومی «کانون کارگردانان سینمای ایران» و «انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران»، اعضای شورای مرکزی با رای بالای اعضایش به‌مدت دوسال منصوب شدند. همایون اسعدیان، رییس کانون کارگردانان، درگفت‌وگو با «شرق» نتایج آرا را چنین توصیف کرد: «مجمع عمومی «کانون کارگردانان سینمای ایران» پنجم‌آبان‌ماه در تالار سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد که در این جلسه همایون اسعدیان با ۹۹ رای، محمدعلی سجادی با ۹۱، کامبوزیا پرتوی با ۸۲رای، محمد بزرگ‌نیا

با ۷۹رای، کمال تبریزی با ۷۷رای، مهدی فخیم‌زاده با ۷۵رای، ابوالحسن داودی با ۷۱رای، محمدمهدی عسگرپور با ۷۰رای و محمدرضا هنرمند با ۶۶ رای به‌عنوان اعضای شورای مرکزی و مازیار میری و داریوش فرهنگ به‌عنوان اعضای علی‌البدل و همین‌طور نادر مقدس و سیامک شایقی به‌عنوان بازرسان کانون کارگردانان سینمای ایران انتخاب شدند.»

وی در ادامه درباره چگونگی برگزاری این مجمع عنوان کرد: «به نظر من که سال‌ها در مجامع کانون کارگردانان (یا به‌عنوان عضو وابسته یا به‌عنوان عضو شورای مرکزی) حضور داشته‌ام، این دوره یکی از بهترین مجامع عمومی این صنف بوده است. حد نصاب برگزاری مجمع طبق اساسنامه ۱۰۷نفر است که در جلسه روز یکشنبه ۱۳۲ نفر درنوبت اول حضور یافتند. غیراز حضور کمی اعضا، از نقطه‌نظر کیفی هم برای همه ما غرورآفرین بود. در این جلسه بزرگان سینما همچون خانم رخشان بنی‌اعتماد، آقایان علیرضا داوودنژاد، احمدرضا درویش، اصغر فرهادی، رضا میرکریمی، مازیار میری، کیومرث پوراحمد و... حضور داشتند و همین‌طور آقای فرمان‌آرا وکالت دادند. همیشه گفته‌ام افتخار کانون به اعضایش است و تا امروز این کانون با حمایت اعضایش سرپا مانده است و از این بابت به خود می‌بالیم.» همایون اسعدیان با تاکید بر اینکه مجمع عمومی کانون کارگردانان به بهترین شکل ممکن برگزار شد، گفت: «رییس کانون کارگردانان سینمای ایران در دوسه روز آینده انتخاب می‌شود.» همچنین مجمع عمومی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران در روز شنبه چهارم آبان برپا شد و در همان نوبت نخست با تعداد بی‌سابقه حضور ۱۶۹ نفر از اعضا تشکیل و اعضای شورای مرکزی جدید انجمن منتقدان انتخاب شد. در این مجمع تعداد نامزدها هم بی‌سابقه بود و ۲۵ نامزد که عموما از نویسندگان و منتقدان پرسابقه بودند با هم به رقابت پرداختند. در پایان شمارش آرا که بیش از دوساعت به‌طول انجامید، کیوان کثیریان با ۱۱۸ رای، کامران ملکی با ۱۰۲ رای، علی علایی با ۹۵ رای، زهرا مشتاق با ۹۱رای، طهماسب صلح‌جو با ۷۴ رای، جواد طوسی با ۷۴ رای و سحر عصرآزاد با ۵۶ رای به‌مدت دوسال به عضویت شورای مرکزی انجمن منتقدان درآمدند. در بخش بازرسی نیز اسماعیل میهن‌دوست با ۸۳ رای به‌عنوان بازرس انجمن انتخاب و امیر فرض‌الهی نیز با ۳۰ رای بازرس علی‌البدل انجمن شد. در نخستین جلسه شورای مرکزی جدید، رییس و سایر مسوولیت‌های شورای مرکزی انتخاب و تعیین خواهد شد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

برگزیدگان جایزه معمار ۹۲ معرفی شدند

● **شرق:** نتایج سیزدهمین دوره جایزه معمار ۹۲ در بخش‌های مسکونی، عمومی و بازسازی طی مراسمی اعلام شد. سالن سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی وزارت امور خارجه، میزبان جمع بزرگ معماران از سراسر کشور بود. این مراسم که با هدف کمک به ارتقای فرهنگ ساخت‌وساز ماندگار که تاسیسات خوب از عوامل ماندگار آن است، برگزار شد، مانند ۱۲ دوره قبلی در سال‌های گذشته توسط مجله معمار و با حمایت شرکت سوپرپایپ اینترنشنال و همچنین حضور کامران افشارنادری از اعضای هیات‌موسس مجله معمار برگزار شد که نام برندگان در سه گروه مسکونی، عمومی و بازسازی اعلام شد. در گروه مسکونی علیرضا تغابنی رتبه نخست، احسان حسینی و الهام گرامی‌زاده رتبه دوم و علی شریعتی و دخی سربندی رتبه سوم را کسب کردند. در گروه عمومی مهدی مرادی و حمید عباس‌لو رتبه نخست، امیرحسین طاهری رتبه دوم و علی دهقانی، علی سلطانی و عاطفه کرباسی برندگان رتبه سوم بودند. در گروه سوم نیز آرش مظفری رتبه نخست، هومن بالازاده، ایمان شفیعی و بهزاد منش‌گر رتبه دوم و مهدی بخشی‌زاده به‌طور مشترک با مهسا مجیدی به جایگاه سوم دست یافتند.

عکس: شرق

حضور بزرگان در بزرگداشت هوشنگ ابتهاج

... سرانجام «سایه» آفتابی شد

شرق: «ما آدم‌های ساده‌ای هستیم که از پشت کوه آمده‌ایم.» این جمله یکی از معدود جملاتی بود که هوشنگ ابتهاج در مراسم بزرگداشت خودش گفت. شاعری که برای معرفی‌اش احتیاج به قید و صفت‌های زیادی جز شعرهایش نیست. شاعری که تنها این جمله شهریار برایش کافی است وقتی گفت: «سایه تمام غزل بعد از من است.»

یکشنبه پنجم‌آبان‌ماه سالن مجموعه موقوفات استاد محمود افشار و مجله بخارا، میزبان میهمانان نامداری بودند. میهمانانی که به یکی دیگر از شب‌های بخارا که به نام هوشنگ ابتهاج نام گرفته بود آمده بودند. در میان این میهمانان شاعر «ارغوان» از همه شاخص‌تر بود. سایه در این سال‌ها کمتر در مراسم رسمی شرکت می‌کند. اما به این مراسم آمده بود که تا خودش را چنین توصیف کند: «شناختن من کار مشکلی نیست. ما آدم‌های صاف و ساده‌ای هستیم که به معنای واقعی از پشت کوه آمده‌ایم. این کوه بلند البرز ولایت مرا از ولایت خیلی‌ها جدا می‌کند. آدم‌های ساده شناختنشان هم ساده است. بعضی‌ها بی‌خود زحمت می‌کشند که نکته‌هایی پیدا بکنند و بگویند. نگفته هم معلوم است. چیز مهمی نیست. ولی خب من موافقم و این روزها هرچه گفتم، از باور خودم گفتم و با صداقت خواهم گفت.»

ابتهاج درباره حضورش در این مراسم از رسوم جدید زندگی گفت: «این روزها چیز تازه‌ای دارد رسم می‌شود و مرده‌ها زنده می‌شوند. یک بابایی در سردخانه دوباره بعد از به‌دار کشیدن زنده شده. حالا هم در این مراسم که باید در غیاب من صورت می‌گرفت خود، صاحب‌حله دارد صحبت می‌کند. سومی‌اش چه خواهد بود؟ به هر صورت، این هم مغتنم است. خوب است که آدم ببیند پشت سرش چه می‌گویند. البته باید این را درنظر بگیریم که به هر حال وقتی من اینجا نشسته‌ام، یک مقدار تعارفات هم در این حرف‌ها هست. دربست این حرف‌ها را نپذیریم. بعد از روز واقعه معلوم می‌شود؛ بعضی از دوستان میدان وسیع‌تری پیدا می‌کنند برای تاخت‌وتاز و حق هم دارند.»

سایه با بیان اینکه هیچ‌چیز را به خودم نبستم، افزود: «هیچ ادایی درنیاوردم. این تنها توفیق من است و تنها چیزی است که می‌توانم به آن ببالم. باقی فرع قضیه است. مهارت‌هایی هست که آدم‌ها در طول زمان کسب می‌کنند و هر مهارت هم در جای خودش قیمتش از بقیه مهارت‌هاست. مهارت‌ها قابل کسب است، آن چیزی که گوهر اصلی است، آن قیمت دارد. خوش به حال کسانی که می‌توانند این مهارت‌ها را تا آنجا که ممکن است، حفظ کنند یا بیان کنند. مهارت آن موقعی ارزش دارد که در بیان یک‌چیز باارزش باشد، وگرنه چیزی نیست. به هر حال خیلی ممنونم از همه.»

غزل‌گویی در اوج آسمان

سیمین بهبهانی که با وجود بیماری در شب سایه شرکت کرده بود؛ در بخشی از این مراسم از دوست و همکار قدیمی‌اش صحبت کرد و که با غزل‌هایش اشک ریخته بود و او را چنین توصیف کرد: «سایه یکی از افتخارات ایران است. او با شعرهایش و کارهای دیگری که کرده، از افتخارات ماست. مدتی رییس موزیک رادیو بود و همه او را تحسین می‌کردند. با همین ذوق‌هاست که غزل‌هایی در اوج آسمان می‌گوید.»

بهبهانی در جایی از صحبت‌هایش از خاطره‌های سال‌های دورش گفت: «من آن شعرش را که می‌گوید، من و هزار امید است، هر هزار تویی، بسیار دوست دارم و یادم هست وقتی شعر را سروده بود، چندی بعد یک جابه‌جایی در آن صورت گرفت که بدل به این شعر زیبا شد. به گمان من سایه ذوق الهی دارد و وقتی غزل‌هایش را می‌خوانیم، فکر می‌کنم به جایی مقدس مربوط است. من با آن غزلش که می‌گوید «... دو چشم مرا نشانه گرفت» بسیار گریستم. من به سایه عزیز ارادت خاص دارم و همیشه خیر او را خواسته‌ام. سایه برای ادبیات ایران غنیمتی است که کم به‌دست می‌آید. یکی از بزرگان ادب ایران است. امید که سایه جناب سایه سال‌ها بر سر ما باشد.» او مطلع این غزلش را به سایه تقدیم کرد: «دیگر نه جوانم که جوانی کنم ای دوست / یا قصه از آن افتد و دانی کنم این دوست.» پوری سلطانی نامش به همسرش مرتضی کیوان گره‌خورده است. کیوانی که روزی سایه درباره‌اش سرود: «کیوان ستاره شد.» سلطانی هم در این برنامه از خاطرات کیوان و سایه گفت و گروهی که از جمله محمدجعفر محجوب، سیاوش کسرایی، ناصر مجد، نادر نادرپور، فریدون مشیری، احمد شاملو و شاهرخ مسکوب دور هم جمع می‌شدند. او درباره سایه گفت: «سایه به انسان، انسانیت و عدالت اجتماعی عشق می‌ورزید و همچنان بر سر این عهد خود ایستاده است و این را در بسیاری از شعرهای او و بیشتر در رفتار و کردارش در سال‌های زندگی‌اش می‌توان دید.»

نسل‌هایی که شعر سایه را از حفظ کردند

علی دهباشی، سردبیر مجله بخارا در این مراسم از زندگی ابتهاج گفت. محمدرضا شفیعی کدکنی شاعر بلندآوازه دیگری که در این مراسم بود؛ ترجیح داد تا حرف‌هایش در مورد سایه را در یادداشتی که دهباشی آن را خواند بگوید. شفیعی کدکنی در بخشی از یادداشت خود نوشته بود: «هرگز ندیدم که او هنرمند راستینی، از مردم زمانه ما را به چشم انکار نگریسته باشد. در میان صدها دلیلی که به عظمت او می‌توان اقامه کرد، همین یک دلیل بس که او بر چکاد بلندی ایستاده که نیازی به انکار دیگران ندارد و این موهبتی است الهی. باز هم از همان فرمول دشمن‌تراشانه خودم استفاده می‌کنم و می‌گویم، متجاوز از نیم‌قرن است که نسل‌های پی‌درپی عاشقان شعر فارسی حافظه‌هایشان را از شعر سایه سرشار کرده‌اند.»

دیدن روی تو

محمود دولت‌آبادی اما در این مراسم شرکت نداشت و مثل شفیعی کدکنی حرف‌هایش را در یادداشتی فرستاده بود: «بخت یار نبود تا در محضر جناب شما باشم، ببینمتان و سلام کنم. همچنین دوستان گرامی حاضر در آن جمع خاص را، و این عمیقا به تاسف دچارم می‌کند. پس ضمن درود قدرشناسانه به شما، پیشانی‌تان را از همین دوسلدورف می‌بوسم و ارادت هنرجویی خود از شما را بیان می‌دارم و می‌گویم که من، محمود، نه فقط با غزل‌ها و مهربانی‌هایتان همیشه با شما بوده‌ام، بلکه هرکجا بوده و باشم، «حافظ به سعی سایه»، بر دیده چشم‌های من بوده است و هست. «دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید /وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است.»

مدیری که زندگی ناظری را تغییر داد

در این سال‌ها شاید کمتر کسی می‌دانست که دوستی هوشنگ ابتهاج و شهرام ناظری باعث شده است تا او به رادیو بیاید و از همین‌جا پله‌های شهرت را طی کند. ناظری اما با مرور خاطراتش از این دوستی دیرپا گفت. شوالیه آواز از روزهایی گفت که از کرمانشاه به تهران آمده بود: « من در آن سال‌ها حاضر نبودم به رادیو بروم و از طرفی برخی دوستان مرا محاکمه می‌کردند و می‌گفتند باید برای همه ملت ایران بخوانم. زمان گذشت تا اینکه گفتند کسی رییس مرکز موسیقی رادیو شده که آدم متفاوتی است و می‌توانید با او حرف بزنید و آن شخص جناب هوشنگ ابتهاج بود. من پیش‌تر با اشعارش آشنایی مختصری داشتم. به دیدن ایشان رفتم و همان‌جور که انتظار داشتم، با برخورد یک چهره فرهیخته و ادیب روبه‌رو شدم.» این آشنایی آغاز آشنایی عمیق ناظری و سایه بود. ناظری همچنین از زمانی گفت که در جشنواره توس برای اجرا انتخاب شده بود. انتخابی که با انتقاد بسیاری روبه‌رو شد: «اما جناب سایه از من حمایت می‌کرد و جناب استاد جلیل شهناز به من گفت، عالی می‌خوانم. بعدها فهمیدم در واقع جناب سایه این توصیه را به استاد شهناز کرده است که در تشویق و روحیه من اثر بگذارد. در آن سال‌ها که خدمت جناب سایه می‌رسیدیم، بسیاری دیگر از ادیبان و شاعران حضور داشتند؛ به‌آذین، محمد قاضی، سیاوش کسرایی، احسان طبری و بسیاری دیگر حضور داشتند. دوره درخشانی در زندگی من بود. ایشان همواره با صبر و حوصله کار می‌کردند. به اعتقاد من در شکل‌گیری دیدگاه اجتماعی در موسیقی ایران بسیار اثرگذار بودند و در گروهی که به‌وجود آمد، جناب سایه سردسته بود. ایشان مثل پدر ما بود و ما هم مانند پروانه به گرد ایشان جمع شده بودیم.» داریوش طلایی نوازنده و آهنگساز در این مراسم قطعه‌ای را برای سایه نواخت.

پدری که سایه است

یلدا ابتهاج- دختر هوشنگ ابتهاج- هم از پدر گفت. او که گفت؛ من نتوانستم سایه را از پدر جدا کنم، افزود: «همواره به من می‌گفتند با تعصب زیادی درباره پدر حرف می‌زنم. برای من پدر و سایه یکی هستند. خیلی دوستش دارم و همه‌چیزم را از او می‌دانم. سایه در سکوت کار خودش را کرده و راه خودش را رفته است. مردم ایران شعرهایش را بسیار دوست دارند. اما به اعتقاد من، سایه خودش، از شعرش بهتر است. سایه مگر مهربانی و محبت نیست. در شعر سایه همیشه امید هست، آن هم در زمانه‌ای که هیچ‌جای امید نبوده، اما او همیشه به امید وفادار بوده است.»

در این مراسم که جای محمدرضا شجریان خالی بود؛ داریوش شایگان، نجف دریابندری، ایرج پارسی‌نژاد، آیدین آغداشلو، فخرالدین فخرالدینی، منوچهر پارسادوست، محبوبه مهاجر، ناصرالدین پروین، داوود موسایی و اصغر علمی شرکت داشتند.

خبرسازان

«به روایت عکاسان معاصر ایران» در گالری «پردیس ملت»

● **شرق:** نمایشگاهی از ۳۶ عکاس ایرانی به نام «به روایت عکاسان معاصر ایران» با آثاری از هنرمندانی همچون عباس کیارستمی، بهمن جلالی، صادق تیرافکن، محمود کلاری، آرمان استپانیان، سیف‌الله صمدیان، شادی قدیریان و... در گالری پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود. «به روایت عکاسان معاصر ایران»، زاویه نگاه نافذ هنرمندان مولفی است که پیرامون خویش را کنکاش و نقد می‌کنند و در قابی که معرف سلیقه زیبایی‌شناسی آنان است، آن را ثبت کرده‌اند، خاصه آنکه عکاسان مدعو به این نمایشگاه آزاد بوده‌اند دو اثر برگزیده خویش را به این رویداد معرفی کنند. آزاده اخلاقی، کورش ادیم، آرمان استپانیان، مهرداد اسکویی، مهرداد افسری، جمشید بایرامی، شهریار

توکلی، صادق تیرافکن، بهمن جلالی، رعنا جوادی، تورج خامنه‌زاده، محمد خوشرو، گوهر دشتی، جلال سپهر، محمدرضا شریف‌زاده، بهنام صدیقی، سیف‌الله صمدیان، کیارنگ علایی، سمیرا علیخانزاده، شادی قدیریان، علیرضا فانی، کتایون کرمی، محمود کلاری، مجید کورنگ‌بهشتی، عباس کیارستمی، رضا کیانیان، رومین محتشم، مهدی مقیم‌نژاد، رامیار منوچهرزاده، علیرضا میرزایی، سروش میلانی‌زاده، علی ناجیان، مهرداد نراقی، حامد نوری، داریوش نهداران و مهدی وثوق‌نیا از جمله عکاسان شرکت‌کننده در این نمایشگاه هستند. «به روایت عکاسان معاصر ایران» پنج بعدازظهر شنبه، یازدهم آبان در گالری پردیس ملت افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه از ۲۲ آذر از ساعت ۱۱ تا ۲۱ از این نمایشگاه واقع در خیابان ولیعصر، بزرگراه نیایش، سینما گالری پردیس ملت، طبقه ۲ دیدن کنند.

گزارشی از پانزدهمین حراج «کریستیز» دوبی

۳ بخش در یک حراج

نیما توسلی

۱۹۵اثر هنر معاصر عرب، ایران و ترکیه در حراج «کریستیز» دوبی ارایه می‌شود که امسال در سه‌نوع حراجی مختلف صورت گرفته است. پیشرو حراجی‌های سنتی دوبی فروش آنلاینی است که به‌مدت دو هفته صرفا برای هنر خاورمیانه بین روزهای ۲۴ اکتبر تا ۱۱نوامبر برپا شده. نمایشگاه پیش از حراج برای بخش اول، بخش دوم و قسمت تماشای حراج به‌صورت عمومی از ۲۷ اکتبر به بعد در هتل برج جمیره امارات در دوبی برپا شده، جایی که گزینش آثار بخش سوم نیز برای تماشا گذاشته شده است.

هلا خیاط، معاون مدیر و رییس فروش حراج می‌گوید: «هنرمندانی مانند محمود سعید، عبدالهادی القزار و شفیق عبود در هر سه‌بخش حراج امسال حضور دارند. بخش سوم حراج صرفا آنلاین، پاسخی است در برابر علاقه روبه‌رشد بین‌المللی به هنر خاورمیانه.» یکی از شاهکارهای حراج فصل شامل اثری از هنرمند ترک - لبنانی فهر النیسا زید (۱۹۹۱-۱۹۰۱) با عنوان «شکافتن اتم و زندگی گیاهی» است که در سال ۱۹۶۲ در اوج دوران کاری این هنرمند نقاشی شده و قیمت آن سه‌تا چهارمیلیون‌دلار تخمین زده شده است. او تنها هنرمند بانوی شرقی است که توانسته نامش را در جنبش هنر انتزاعی ثبت کند و اثر هنری ویژه او بازگوکننده الهام‌گیری از سبک هنر سفال مذاب است که به‌عنوان «اکول پاریس» در نیمه‌اول قرن بیستم شناخته شده. «شکافتن اتم و زندگی گیاهی» یکی از مهم‌ترین آثار او است. این اثر، بازتاب‌کننده سبک مشخص شخصی زید در هنر انتزاعی هندسی است که ریشه در ژست ریتمیک دارد. فهر النیسا زید، با الهام از ترکیب سنت‌های زیبایی‌شناسانه خطاطی اسلامی، شخصیت‌های مرموز صوفی‌گری همراه با فرهنگ بیزانس و نقوش غربی، به استفاده پیچیده رنگ‌ها و خطوط به شیوه ترکیبی مونومنتال و ریتمیک می‌پردازد. همچنین در عصر ۲۹ اکتبر برابر با هفتم آبان، «کریستیز» مجسمه شش‌فوتی عظیم پرویز تناولی یعنی «پرسپولیس۲» را به نمایش می‌گذارد. در سال ۲۰۰۸، کریستیز اثری به نام دیوار از این هنرمند را ارایه کرد که رکورد قیمت حراجی را برای تمام کارهای پرویز تناولی و هر هنرمند دیگر در خاورمیانه شکست و فروشی معادل ۲/۸میلیون‌دلار داشت. اثر امسال - پرسپولیس - از جنس برنز است و بازدیدکنندگان را به سفر به ایران باستان فرا می‌خواند. این اثر، با نشانه‌ها و سمبل‌هایی مشخص پوشیده‌شده که یادآور نامش، یعنی دوره امپراتوری هخامنشی است. پرسپولیس۲، یادآور رخدادهای فرهنگی نیز هست که به‌عنوان قدرت سلطنت شرقی در پرسپولیس ایران رخ داده است. سومین اثر برجسته «کریستیز» مربوط به اثر عبدالناصر قارم می‌شود (اهل عربستان سعودی، متولد ۱۹۷۳)، با عنوان «گنبد پایتخت» که در سال ۲۰۱۲ تولید شده است. در سال ۲۰۱۱، کریستیز اثر دیگری از گنبد را از این هنرمند به قیمت ۸۴۲هزارو۵۰۰دلار فروخت. اثر جدید، مجسمه‌ای است که توسط نمایشگاه «کام‌توگدر» در لندن در ۲۰۱۲ ارایه شده بود. این اثر، ۱۳فوت است و بخش داخلی این گنبد به‌صورت مدل اسلامی طراحی شده و جزییات آن یادآور مسجد است. کل اثر، از سطح روغنی سیاه تشکیل شده و هنرمند خواسته ارتباط آمریکا با نفت عرب را شبیه‌سازی کند. این اثر به نوعی، تلفیق نئوکلاسیک غربی با معماری اسلامی است. پاول گیراگوسیان، هنرمند لبنانی اثر «مبارزه وجود» را با قصد کمک به بنیاد پاول گیراگوسیان و پروژه‌های آتی آنها ارایه کرده است. این اثر در اواخر دهه ۱۹۸۰ ترسیم شده و یک تصویر قوی اکسپرسیونیست تلقی می‌شود که مربوط به بخشی از جنگ داخلی لبنان است و قیمت اولیه آن حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰هزاردلار تخمین زده شده است. در حراج امسال، اثری با عنوان «خانه، خانه شیرین» وجود دارد که بین ۲۵۰ تا ۳۵۰هزاردلار برای آن برآورد شده و به شکل یک دستگیره آشپزخانه بزرگ به رنگ صورتی است. فرهاد مشیری، هنرمند ایرانی در این اثر، از کنار هم‌گذاری و کنتراست زندگی عمومی معتدل در مقابل زندگی سبک جدید عجیب زندگی خصوصی ایرانیان الهام گرفته است. در این فصل، «کریستیز» قرار است ۲۹اثر سفارشی را از کلکسیون بخش یک، بخش‌دو و همچنین فروش آنلاین بخش سه ارایه کند. «بافنده» اثر محمود سعید، هنرمند مصری اهل مصر، در بخش یک حراج در ۲۹اکتبر با برآورد اولیه ۵۰ تا ۷۰هزاردلار، ارایه می‌شود. عبدالهادی القاضر، دیگر هنرمند مصری چندین کار در مجموعه فارسی دارد. «مولودی دراویش» که در سال ۱۹۵۱ نقاشی شده، یک نمونه قوی از دوره فولکلور این هنرمند است که بازتاب‌دهنده تاثیرات و الهامات مردمی است که در ناحیه «سیده زینب» به‌عنوان جنبش صوفیان می‌زیسته‌اند. در بخش دو، که ۳۰ اکتبر برپا می‌شود، القاضر کاری با عنوان «مرد بلندرو» حضور دارد. در بخش سه که «آنلاین» برگزار می‌شود، اثر دیگری از محمود سعید با عنوان «کانال محمودیه» با برآورد قیمت ۵۰ تا ۷۰هزاردلار وجود دارد و اثر «کافه قبرس» از دیگر هنرمند مصری، محمد نقی (۱۹۵۶-۱۸۸۸) نیز در این بخش حدود ۱۸ تا ۲۰هزاردلار تخمین زده شده است.

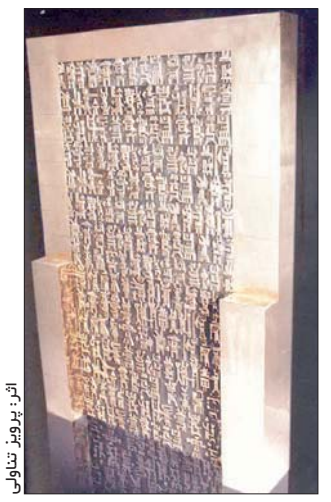

اثر: پرویز تناولی

LEON
Since 1960
خاص بودن رویا نیست.

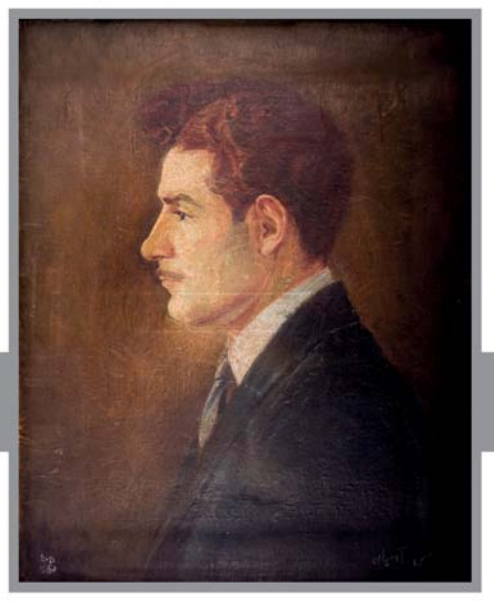

Oil Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants by Ms. Sedik Adamian (1950)
نقاشی رنگ و روغن از آقای لئون مؤسس رستوران لئون توسط خانم سدیک آدامیان(۱۹۵۰)
رستوران لئون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آبان جنوبی تاسیس گردید
و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته سام سنتر و نیاوران)
با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.
رزرو کنید.
آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۳۰۳۶۳-۸۸۹۰۴۶۲۵
نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۲۰۰-۲۲۷۲۴۴۰۰
www.leon1960.com